

Mahmood Fotoohi Rudmajani, "The Burhanpur Literary Circle in India and the Transformation of Persian Poetry in the Early Seventeenth Century," *Iran Nameh*, 30:4 (Winter 2016), 240-274.

نقش حلقه ادبی برهان پور هند در دگرگونی شعر فارسی در آغاز قرن یازدهم هجری قمری

محمود فتوحی رودمعجنی
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی، مشهد

مقدمه

دهه‌های پایانی قرن دهم هجری دوره اوج رواج غزل صریح و ساده عاشقانه به روش وقوع و واسوخت در مرکز ایران بود. در همان زمان، شاعران نازک‌خیال و پیچیده‌گویی که در مراکز ادبی داخل ایران ظهور کردند چندان با اقبال روبه رو نشدند و به ناگزیر رهسپار هند شدند و به دربار اکبرشاه (ح. ۱۰۱۴-۹۶۳ق) پیوستند. اسناد و شواهد تاریخی نشان می‌دهند که ایرانیان مهاجر به دربار اکبرشاه و جهانگیر، طرز تازه نازک‌خیالی را در دهه آخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری در هند و مخصوصاً در شهر برهان‌پور رواج دادند.

در این مقاله به معرفی حلقه ادبی برهان‌پور و نقش دولتمردان و شاعران این مرکز ادبی سیاسی در تغییر مسیر شعر فارسی از تغزل ساده وقوعی به نازک‌خیالی می‌پردازم و با ورود به دوره تاریخی بین سال‌های ۹۹۰ تا ۱۰۲۵ق و بر اساس شواهد و اسناد آن زمان،

محمود فتوحی رودمعجنی (دانش‌آموخته دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴) استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد و سردبیر فصلنامه نقد ادبی است. مدتی نیز رئیس انجمن نقد ادبی ایران بوده است. علاوه بر صد مقاله در حوزه ادبیات فارسی، کتاب‌های نقد ادبی در سبک هندی، نظریه تاریخ ادبیات، نظریه‌ها و رویکردهای سبک‌شناسی و آیین نگارش مقاله پژوهشی را منتشر کرده است.

Mahmood Fotoohi Rudmajani <fotoohirud@gmail.com>

ISSN 0892-4147-print/ISSN 2159-421X online/2016/30.4/240-274.

واکنش جامعه ادبی ایران به خیالات دقیقه نوگرایان را تبیین می‌کنم. سپس، مهاجرت شاعران خیال‌پرداز به هند و استقبال دربار اکبرشاه از شاعران نازک‌خیال را پی می‌گیرم و می‌کوشم حلقه ادبی برهان‌پور را، که به گمان قوی مرکز تغییر مسیر شعر فارسی از سادگی به پیچیدگی و از واقع‌گرایی به خیالات جزیبی است، معرفی و شاخص‌های ذوق حاکم و الگوهای ادبی این حلقه و عوامل ترویج این سبک را شناسایی و تبیین کنم و زمینه‌های شکل‌گیری طرز نازک‌خیال، شخصیت‌های مؤثر در ابداع، الگوهای ادبی، حامیان و مروجان آن را به بحث گذارم.

راندن تازه‌گویان نازک‌خیال از مرکز ایران

در پایان قرن دهم هجری، در مرکز ایران غزل‌سرایی به روش وقوع‌گویی رایج بود؛ روشی که حالات طبیعی و ساده عاشقانه را به زبانی ساده و طبیعی به نظم می‌کشید. شاعران کاشان، کرمان، یزد، شیراز، قزوین، اصفهان و قم سخت دلبسته سبک ساده وقوع بودند. در محافل ادبی وقوعیان، شعر کسانی مانند خواجه حسین ثنایی مشهدی (م. ۹۹۶ق) و عرفی شیرازی (م. ۹۹۹ق) که خیال‌انگیز بود و قصدهای دور و خیالات عجیبه و نازک داشت مقبول نیفتاد. عرفی شیرازی مخالفان خود را نکوهیده است که فهم و درک لازم برای طرز وی را ندارند:

خصم و طرز سخن من؟ به چه فهم و به چه درک
غیر و نظم گهر من؟ به چه برگ و به چه ساز^۱

شعر ثنایی مشهدی نیز برای مخاطبان ساده‌پسند ایرانی‌اش دلپسند نبود و دشوار می‌نمود. صادقی کتابدار در تذکره مجمع‌الخواص (نگارش ۱۰۱۶ق) درباره شعر ثنایی مشهدی گفته است:

بس که دقت فکر دارد، اکثر ابیاتش محتاج به شرح و بیان است. المعنی فی بطن الشاعر. اگر اتفاقاً خواجه خودش حضور نداشته باشد، حُضار اثبات می‌کنند که شعرش بی‌معنی است. آن عزیز خوب گفته است که در شرکت لفظ و معنی، خواجه حسین ثنایی و مولانا محتشم دو نفری یک شاعر خوب تشکیل می‌دهند و از میرزای مرحوم شنیدم که بر خود می‌بالید و می‌گفت: شعر خواجه حسین را می‌فهمم.^۲

^۱ عرفی شیرازی، کلیات عرفی شیرازی، تصحیح محمد ولی‌الحق انصاری (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، جلد ۲، ۱۶۰.
^۲ صادق بیگ‌صادقی افشار گیلانی (کتابدار)، تذکره مجمع‌الخواص، ترجمه عبدالرسول خیام‌پور (تبریز: بی‌نا، ۱۳۲۷)، ۱۴۹.

تقی‌الدین کاشانی در تذکره خلاصه‌الاشعار (نگارش ۱۰۱۶ق) نیز به دشواری شعر ثنایی مشهدهی اشاره کرده است:

برخی از ممیزان اشعار مشارالیه را انوری زمان دانند و الحق مضامین غریبه و معانی عجیبه که او را به خاطر می‌رسد و به لباس نظم در می‌آورد هیچ‌یک از شعرا را فکر به آن معانی وفا نمی‌کند و ازین جهت است که دریافت معانی بعضی ابیات وی موقوف بر سماع است از قایل یا تأمل بسیار، این دو بیت از آن جمله است:

پرده شب می‌درد قهرت، از آن معنی چو صبح
شعله تب شمع را در استخوان می‌آورد

و من هذا القبیل

باشد چنان که افتی بر روی سایه‌اش
خواهد به زیر قدر تو گیرد گر آفتاب

قدرتش در ایجاد معانی مغلقه و ابداع مضامین عالیه غریبه درجه‌ای دارد که بیان فصحا توضیح آن را از جمله محالات می‌شمارد و شاهد این دعوی چند قصیده است که در اجوبه استادان در سلک نظم کشیده و بعضی ابیات آن در غایت شهرت است.^۳

...

این دو شاعر [ثنایی و ولی] در فن قصیده و مثنوی و خیالات عجیبه فی‌الجمله امتیازی دارند و این قول و حجت فرق از ایجاب اشعار ایشان ظهور تمام دارد.^۴

تقی اوحدی بلیانی در تذکره عرفات‌العاشقین درباره ثنایی آورده است: "طبعش در فنون سخن خصوص به طلب معانی تازه در نهایت اغلاق و غایت اغراق ساعی بوده."^۵ تقابل جدی سبک پیچیده ثنایی مشهدهی با شیوه ساده شاعران وقوعی از ابیاتی که ولی دشت بیاضی (م. ۱۰۰۲ق)، شاعر وقوعی، در حمله به ثنایی مشهدهی سروده مشهود است. دشت بیاضی سبک تازه ثنایی را دارای نقصان لفظ و کوتاهی معانی دانسته است:

تقی‌الدین محمد اوحدی حسینی بلیانی، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفين، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹)، جلد ۲، ۴۱۱.

تقی‌الدین کاشانی، خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار (دستنویس موزه بریتانیا، ایندیا آفیس، مجموعه‌اته، Eth 667=I.O. 2561)، گ ۱۲۳۷ ر؛ احمد گلچین معانی، کاروان هند (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹)، ۲۶۱.
کاشانی، خلاصه‌الاشعار، گ ۱۲۳۳ پ: ذیل میلی هروی.

ای فکر ترا شحنه نقصان زده راه
دور از نفست اثر چو طاعت ز گناه
لفظ تو چو بخشش لئیمان ناقص
معنیت چو خلعت خسیسان کوتاه^۶

علاوه بر دشت بیاضی، دیگر شاعران وقوع مانند میلی مشهدی (هروی) و غزالی مشهدی نیز از مخالفان او بودند. اسکندربیک ترکمان، مورخ عهد شاه‌عباس، نیز گفته است که “خواجه حسین ثنائی خراسانی شاعر قصیده‌گوی است معانی بلند دارد اما در شعر قصدهای [متن چاپی: قصیده‌های] پیچیده می‌کند که طبع اکثر سخن‌سنان روزگار از درک معنی آن قاصر است.”^۷

از سخن مورخان، تذکره‌نویسان و شاعران معاصر ثنائی به وضوح بر می‌آید که آنها شعر ثنائی را نپسندیده و آن را در نهایت اغلاق و اغراق و دور از فهم اهل فصاحت می‌شمرده‌اند.^۸ اما ثنائی خود از دقت معانی و لطافت خیال و نادرگی تصویرهای خیالی شعرش آگاه بوده و به این اسلوب بسیار می‌نازیده است:

بس که معنی دقیق کرد مرا
نقطه کلک من نهان من است
خشک‌تن گر چو استخوان شده‌ام
مغز معنی در استخوان من است

کنه سخنم بیان ندیده است
اندیشه از آن نشان ندیده است

۱، ۱۸۲. این ابیات ثنائی ظاهراً همه‌جا به بی‌معنایی معروف شده بود. بدائونی در منتخب‌التواریخ و تقی‌الدین کاشی در خلاص‌الاشعار نیز آنها را نقل کرده‌اند.
^۶ لطفعلی بیگ آذر (م. ۱۱۹۵ق) نیز در باب ثنائی مشهدی نوشته است: “پسر خواجه عنایت بزاز دیوانش ملاحظه شد به زعم فقیر یا کسی فهم کلام ایشان ندارد یا کلام ایشان معنی ندارد.” لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، آتشکده آذر، تصحیح حسن سادات ناصری (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ۸۸.

گولی دشت بیاضی، دیوان، تصحیح مرتضی چرمگی عمرانی (تهران: اساطیر، ۱۳۸۹)، ۴۱۱.
^۷ این چند بیت از آن جمله است: هوا مقلد مرآت آب گشته چنان / که سرتگون شده آن را به امتحان برداشت؛ پرده شب می‌درد قهرت از آن رو همچو صبح / شعله تب شمع را در استخوان می‌آورد؛ ماند حباب‌وار حبابش به روی آب / قدر تو گر کند صدف گوهر آفتاب؛ گر به مثل جا کند گوهر آئینه شخص / بیند تمثال خویش تافته رو بر قفا؛ گر نهی از امتحان بر لب شمشیر دست / زخم فشانند چو مهر در عوض خون طلا. بنگرید به اسکندربیک منشی ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰)، جلد

عکسی به لطافت خیالم
آیینۀ آسمان ندیده است
در هندم و بر کف خیالم
سیبی است که اصفهان ندیده است^۹

عدم پذیرش "قصدهای پیچیده" ثنایی و استعاره‌های نازک و اغراق‌های خیالی عرفی در ایران سبب شد که اولی در سال ۹۸۸ق و دومی چهار سال بعد ایران را به مقصد دربار اکبرشاه در هند ترک کنند. پیش‌تر از ایشان، بزرگان بسیاری همچون غزالی مشهدی (ورود به هند ۹۵۸، م. ۹۸۰ق) و حکیم حاذق گیلانی (ورود به هند ۹۸۳، م. ۹۹۷ق) از شرایط نامساعد حکومت شاه‌طهماسب به دربار اکبرشاه گریخته بودند. در آن سال‌ها هند و به خصوص دربار اکبرشاه آرمانشهر شاعران ایران بود.

استقبال از نازک‌خیالی در هند

در سال‌های ۹۹۰ق که محافل ادبی ایران شعر عرفی شیرازی و ثنایی مشهدی را نمی‌پسندیدند و بر اسلوب آن دو شاعر خرده می‌گرفتند، مردم هند به شعر این دو شاعر ایرانی اقبال بسیار نشان دادند. عبدالقادر بدائونی (۹۴۷-۱۰۲۴ق)، تاریخ‌نگار و مترجم مشهور قرن دهم هجری، در دربار اکبرشاه در هندوستان در کتاب منتخب‌التواریخ می‌گوید:

او [عرفی] و حسین ثنایی از شعر عجب طالعی دارند که هیچ کوچه و بازاری [در هند] نیست که کتابفروشان دیوان این دو کس را در سر راه گرفته نایستند و عراقیان و هندوستانیان نیز به تبرک می‌خرند، به خلاف شیخ فیضی که چندین زره‌ای جاگیر صرف کتاب و تصانیف خود ساخته و هیچ‌کس به آن مقید نمی‌شود، مگر همان یک سواد که خود با اطراف فرستاده.^{۱۰}

شیرازی آن را به طوری قبول کرد و گسترش داد که نویسندگانی مانند عبدالباقی نهبانندی و تقی اوحدی او را موجد این طرز تازه خیال می‌کردند. "بنگرید به محمد ولی‌الحق انصاری، کلیات عرفی، ۱۴. اما اسناد هم‌روزگار فیضی یعنی نوشته‌های بدائونی و عبدالباقی نهبانندی درباره فیضی این ادعای انصاری را که فیضی مخترع طرز تازه است از اساس بی‌اعتبار می‌سازد. در آثار ادبی نیز سخنی از تأثیر فیضی بر شاعران دیگر و پیشتازی او در تازه‌خیالی نمی‌بینیم.

^۹ گلچین معانی، کاروان هند، ۲۶۴.
^{۱۰} عبدالقادر بن ملوک‌شاه بدائونی، منتخب‌التواریخ، تصحیح مولوی احمد علی صاحب، با مقدمه و اضافات توفیق سبحانی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹)، جلد ۳، ۱۹۵. البته اختلاف مذهبی بدائونی با فیضی دکنی در این قضاوت بی‌تأثیر نبوده است. بدائونی مکرر در کتابش به فیضی طعن و تعریض می‌زند. محمد ولی‌الحق انصاری، استاد دانشگاه لکنهو هند، معتقد است که "سبک هندی وجود دارد و مخترعش ابوالفضل فیضی اکبرآبادی بود. اما عرفی

بدائونی در شرح حال ثنایی مشهده می‌نویسد: "پیش از آن که [ثنایی] به هندوستان بیاید، بزرگان در این دیار بر بیتی از او غایبانه بزمی می‌آراستند و در هر مجلس شعر او را به تبرک می‌خواندند و متفق‌الکلام و الاقلام بر استادی او خط می‌نوشتند."^{۱۱} تا اینجا از این فقرات تاریخی معلوم می‌شود که شعرهای نازک‌خیال این دو شاعر مشهده و شیرازی که در ایران پسند اهل ادب نبود، در هند از اقبال بسیار برخوردار شد.

حامیان نازک‌خیالی در هند

در زمان اکبرشاه و به خصوص در اوایل قرن یازدهم هجری، شهرهای دکن، اجمیر، آگره، گجرات، لاهور، فتح‌پور، سند، و برهان‌پور مراکز فرهنگی و ادبی شبه‌قاره هند بودند و بسیاری از نخبگان ایرانی به این شهرها مهاجرت می‌کردند و شهرهای لاهور، کابل و قندهار برای ایرانیان دروازه‌های هند به شمار می‌آمدند. در میان این شهرها، بازار شعر و هنر شهر برهان‌پور پررونق‌تر از همه بود. حلقه ادبی دربار خان‌خانان ساختار متشکل و منسجم‌تری از دیگر شهرها داشت. از همه مهم‌تر اینکه گرایش به نازک‌خیالی و دقیقه‌سرایبی در برهان‌پور بیش از دیگر مراکز محسوس بود. وجود دو شخصیت ادبی و سیاسی در این شهر تأثیر بسیار چشمگیری در بالندگی و ترویج سبک تازه نازک‌خیالان داشت، یکی شاعر دانشمند ایرانی حکیم ابوالفتح حاذق گیلانی (م. ۹۹۷ق) و دیگری سپهسالار کاردان و دانشمند اکبرشاه، عبدالرحیم خان‌خانان (م. ۱۰۳۶ق) که مرکز امارتش شهر برهان‌پور بود. این دو تن، که شعرشناس و دانشمند بودند، در ترویج و بالندگی طرز نازک‌خیال و "معنی‌های پیچیده" و "مضامین غریبه" در شعر فارسی در هند نقش بسزایی داشتند.

شهر برهان‌پور با حمایت‌های خان‌خانان به مرکز اصلی شکل‌گیری و رواج طرز نازک‌خیال بدل شد. این شهر در ۴۹۹ کیلومتری شمال شرقی بمبئی در استان مادیا پرادش هند واقع است و در قرن‌های گذشته اهمیت سوق‌الجیشی بسیاری داشت. در حدود ۸۰۱ ق و به فرمان ناصرخان فاروقی، مؤسس سلسله فاروقی خاندیش، احداث شد و به احترام برهان‌الدین غریب، یکی از مشایخ دکن، برهان‌پور نام گرفت.

سپهسالار نازک‌پسند

میرزا عبدالرحیم خان‌خانان، پسر محمد بیرام‌خان خان‌خانان (م. ۹۶۸ ق)، از وزیران صاحب قدرت و هنرپرور و از شاعران دربار گورکانیان هند در زمان جلال‌الدین اکبرشاه و

^{۱۱} بدائونی، منتخب‌التواریخ، جلد ۳، ۱۴۴؛ گلچین معانی، کاروان هند، جلد ۱، ذیل ثنایی.

جهانگیرشاه بود. عبدالرحیم یکی از ناواراتان یا "نه وزیر اصلی" دربار اکبر و جهانگیرشاه بود. دولتمردی شاعر، سخن‌شناس و مترجم که در نامه‌نگاری به روش منشیان نیز چیره‌دست بود. در ۹۹۸ق، به دستور اکبرشاه کتاب بایرنامه را از هندی به فارسی ترجمه کرد. همچنین، در شهر برهان‌پور کتابخانه بزرگی تأسیس کرد و از سراسر جهان اسلام علما، هنرمندان، خوشنویسان و نقاشان را برای همکاری با کتابخانه و رونق آن دعوت کرد.

عبدالرحیم خان‌خانان (۹۶۴-۱۰۳۶ق) سپهسالار اکبرشاه و نزد او از اعتبار و پایگاه والایی برخوردار بود. در ۹۹۲ق منصب آتالیقی شاهزاده سلیم را که هنوز نایب‌الخلافه بود و به شاهی نرسیده بود از اکبر شاه دریافت کرد.^{۱۲} شهر برهان‌پور از سال ۹۹۲ق مرکز امارت خان‌خانان بود. دربار او مؤثرترین رواج‌دهنده طرز نازک‌خیال در شهر برهان‌پور هند بوده است و حتی پس از مرگ اکبرشاه (۱۰۱۴ق) حلقه ادبی خان‌خانان تعطیل نشد، بلکه رونق بیشتری یافت.

آوازه سخاوت، هنرشناسی و حمایت‌های عبدالرحیم خان‌خانان که تا ایران رسیده بود موج مهاجرت هنرمندان از ایران به هند را در پی داشت. آرزوی حضور در کتابخانه و بزم ادبی برهان‌پور شاعران برجسته را از ایران به این شهر می‌کشید. خان‌خانان در میان شاعران مرکز ایران چندان شهرت داشت که غزل‌هایش را جواب می‌گفتند و به هند می‌فرستادند و از راه دور صله از خان‌خانان دریافت می‌کردند یا با غزل‌ها و قصایدی در مدح خان‌خانان راهی شهر برهان‌پور می‌شدند. عبدالباقی نهایندی در سال‌های ۱۰۲۰ق در ایران غزلی سرود و برای خان‌خانان فرستاد. در آن غزل آرزوی هنرمند ایرانی برای حضور در بزم سخن خان‌خانان بازتاب یافته است:

در عراق پُرنفاق این آرزو می‌سوزدم
کز سخن‌سنگان بزم خان‌خانان نیستم^{۱۳}

شاعران دربار خان‌خانان همه صاحب دیوان بودند و دیوان اغلب آنها در کتابخانه خان‌خانان موجود بود، چنان که عبدالباقی نهایندی در نگارش کتاب مآثر رحیمی (۱۰۲۵ق) از آنها بهره برد. در بزم سپهسالار قصیده، ترکیب‌بند و ساقی‌نامه بیش از غزل

^{۱۲} عبدالباقی نهایندی، مآثر رحیمی، تصحیح محمد هدایت حسین (کلکته: ایشیاتیک سوسائتی آف بنگال، ۱۹۲۵)، جلد ۲، ۱۰۶.
^{۱۳} عبدالباقی نهایندی، مآثر رحیمی، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱)، جلد ۳، ۸۴۲.

سروده می‌شد. نوشته‌اند "اول کسی که از مستعدان ایران به شرف بندگیش [خان‌خانان] عز اختصاص یافت او [نظیری] بود."^{۱۴} شاعران مداح عبدالرحیم نقش مؤثر او در تربیت سخنوران را بسیار ستوده‌اند. از جمله نظیری در مدح او گفته است:

از سخن چون چاشنی بخشد به خوان تربیت
پر شود از مغز معنی استخوان تربیت
خان‌خانان ساقی بزم طرب عبدالرحیم
کز شراب نطق بخشد قوت جان تربیت
پر شود از صید معنی جلوه‌گاه خاطر
دست طبعت چون کند زه بر کمان تربیت
می‌برم از خوان دانش زلۀ صدساله را
گرچه بودم یک دو روزی میهمان تربیت
مایه از جنس کسی دیگر ندارد نظم من
بر متاع خویش دارم کاروان تربیت

قصایدی که شاعران مهاجر ایرانی در مدح سپهسالار سروده‌اند همه متفقاً دانش ادبی، شعرشناسی و آگاهی خان را ستوده‌اند. توانایی او در نگارش نامه به زبان‌های هندی، ترکی و عربی گواه سخن‌شناسی و فضل اوست و نپاوندی در مآثر رحیمی نامه‌های او را به دو زبان آورده است.^{۱۵}

پزشک دشوارپسند

دیگر مروج اصلی سبک نازک‌خیال در هند، طبیب، شاعر و خطاط ایرانی، حکیم ابوالفتح حاذق گیلانی (ح. ۹۵۵-۹۹۷ق) بود. او در زندان شاه‌طهماسب صفوی در اردبیل گرفتار بود و پس از مرگ پدرش در ۹۸۰ق توانست به همراه دو برادر خود حکیم نجیب‌الدین همام گیلانی و نورالدین قراری، شاعر آن روزگار، در لباس بازرگانان به هندوستان بگریزد و به دربار جلال‌الدین اکبرشاه گورکانی راه یابد. او در دربار اکبرشاه از مرتبه بالایی برخوردار شد. هر هنرمندی که از ایران می‌آمد، نخست به خدمت حاذق مشرف می‌گشت و حاذق او را به اکبرشاه و سپهسالارش، عبدالرحیم خان‌خانان، معرفی می‌کرد. نپاوندی می‌نویسد:

^{۱۴} نپاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۹۱.
^{۱۵} نپاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۲، ۵۵۳-۵۵۵.

اکثر مستعدان نظم و نثر، بیان حالت و مآثر او نموده‌اند و مستعدان آن زمان هر کس در هند بوده و هر که تازه از ولایت می‌آمده بندگی و مصاحبت ایشان اختیار می‌نموده و قدر و منزلت و حالت این طایفه را به واجبی می‌دانسته چنانکه خواجه حسین ثنایی و میرزاقلی میلی و عرفی شیرازی و حیاتی گیلانی در خدمت او می‌بوده‌اند.^{۱۶}

حاذق اگرچه خود شاعری چیره‌دست بود، شهرتش بیشتر مدیون حمایت‌های بی‌دریغش از شعرا و ادبای زمانه‌اش بود. حضور او در دربار اکبر انگیزه مهاجرت شاعران ایرانی را به هند گسترش داد. شاعران بسیاری او را تا مقام امیری ستوده‌اند. حکیم حاذق شاعران بسیاری را به دربار اکبر و خان‌خانان معرفی کرد. عرفی شیرازی (م. ۹۹۹ق)، ثنایی مشهدی، میرزاقلی میلی (م. ۹۸۳ق)، حیاتی گیلانی (م. ۱۰۲۸ق) در خدمت او بودند. او ثنایی مشهدی را که در آغاز ورود به هند در سال ۹۸۸ق^{۱۷} چندان مورد توجه قرار نگرفت در سایه حمایت خود قرار داد و او را به اوج شهرت رساند. حکیم حاذق توجه و علاقه و احترام خاصی نسبت به خواجه حسین ثنایی داشت. او را همه‌جا “نادرالعصر و مَلِکُ الشعرا” می‌نامید و از قول اکبرشاه گفت که “شعرش قرینه ندارد.”^{۱۸} از نامه‌های حاذق خطاب به ثنایی موقعیت برتر ثنایی در میان شاعران و انزوای او در پایان عمر مشخص می‌شود.^{۱۹} حیاتی گیلانی را نیز حاذق به دربار اکبر معرفی کرد.^{۲۰} خلاصه آنکه سخن‌شناسان آغاز قرن یازدهم هجری حکیم حاذق را بانی تازه‌گویی و نازک‌خیالی رایج در آن زمان دانسته‌اند. نهایندی نوشته است: “مستعدان و شعرسنگان این زمان را اعتقاد این است که تازه‌گویی که در این زمان میانه شعرا مستحسن است و شیخ فیضی و مولانا عرفی شیرازی و غیره به آن روش حرف زده‌اند [و الحال متعارف شده] به اشاره و تعلیم ایشان [حاذق] بوده.”^{۲۱}

ذوق جمال‌شناسی در حلقه برهان‌پور

دربار خان‌خانان در شهر برهان‌پور به مدت سه دهه مرکز ادبی و محل تجمع دانشمندان، فاضلان و شاعران مشهور و مؤثر فارسی‌زبان بود. بزم ادبی این سپهسالار را “حلقه ادبی

^{۱۶} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۷۹.
^{۱۷} حکیم ابوالفتح در ۹۸۹ق نامه‌ای از لاهور به برادرش در فتح‌پور فرستاد و در آن به ثنایی سلام رساند. این نامه نشان می‌دهد که در آن زمان ثنایی در فتح‌پور هند بوده است. ثنایی شاه‌اسماعیل را در قزوین مدح گفت، اما مقبول طبع شاه نیفتاد و شاعر از بیم جان به هندوستان گریخت. بنگرید به گلچین معانی، کاروان هند، ذیل ثنایی.
^{۱۸} حکیم ابوالفتح حاذق گیلانی، رفعات، تصحیح محمدشیر حسین (لاهور: انتشارات اداره تحقیقات پاکستان، ۱۹۶۸)، نامه ۱۹.
^{۱۹} حاذق گیلانی، رفعات، نامه‌های ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۵۰ و ۵۲.
^{۲۰} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۱۵.
^{۲۱} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۸۰.

برهان‌پور“ می‌نامم. شاعران آن روزگار، این حلقهٔ ادبی را “بزم سخن‌سنجان خان‌خانان“ یا “دارالعیار سخن“ نامیده‌اند. این حلقه از نظر ذوق، سلیقه و معیارهای ادبی ویژگی‌های خاصی داشت که ذیلاً به خصوصیات حاکم بر آن اشاره می‌کنم.

الف. گرایش به معانی دور و غریبه

عبدالرحیم در نامه‌هایی که به شاعران ایرانی مقیم هند از جمله عرفی شیرازی، انیسی شاملو و نظیری نیشابوری می‌نوشت، در نهایت احترام اشتیاق خود را به هنر آنها بیان کرده است. پاره‌ای اصطلاحات ادبی که در نامه‌های او آمده‌اند حاکی از علاقه‌اش به نوپردازی، مضمون‌آفرینی، مشکل‌پسندی، دقیقه‌شناسی و دقیقه‌یابی در طرز تازه است. در نامه‌ای به یولقلی بیگ انیسی شاملو، شاعر ایرانی، نوشته است: “طرز تازه که برانگیختهٔ طبع وقاد و روش نوی که احداث نمودهٔ ذهن نقاد آن خلاصهٔ مخلصان اهلیت‌شناس بود پسندیدهٔ فهم مشکل‌پسندان محافل شعور و برگزیدهٔ طبیعت دقیقه‌یابان مدارج خرد افتاد.”^{۲۲}

این سپهسالار سخاوتمند خود نیز شاعر بود و به سبک نظیری نیشابوری شعر می‌سرود و از نظیری می‌خواست تا شعرش را اصلاح کند. در نامه‌ای خطاب به نظیری نوشت: “جمعی از موزونان حاضر بودند اشعار شما بسیار خوانده شد گویا شما نیز حاضر بودید. مصرعی چند که بعد از مفارقت شما روی نموده بود نوشته فرستاده شد انشاءالله به اصلاح برسد.”^{۲۳} تجلی‌گیلانی در وصف نکته‌شناسی و دقت نظر ادبی خان‌خانان گفته است:

چون تو صاحب‌نظری موی‌شکافی نبود

خاطرت نکته‌شناس است و دلت نکته‌سرای^{۲۴}

در نوشته‌های عبدالباقی نهبانندی اصطلاحاتی که ناظر بر معانی غریب و عجیب و دقیق است بسیار آمده‌اند، مانند ابداع معانی غریبه، ابداع مضامین عجیبه، معانی عجیبه، مضامین عجیبهٔ غریبهٔ رنگین، اشعار مشکلهٔ دقیقه، نزاکت سلیقه، نزاکت و دقت و تازگی طبیعت.^{۲۵} و فور این اصطلاحات در وصف شعر شاعران و تکیهٔ بیش از حد بر مضامین و معانی غریب و عجیب و دقیق حاکی از غلبهٔ ذوق شگفت‌پسند و نازک‌خیال در حلقهٔ مداحان خان‌خانان است.

^{۲۲} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۲، ۵۵۲؛ سیدحسین جعفر حلیم، شرح احوال و آثار عبدالرحیم خانخان و خدمات او برای پیشرفت ادبیات فارسی (پاکستان، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۱)، ۲۵۲.

^{۲۳} حلیم، شرح احوال و آثار عبدالرحیم خانخان، ۲۵۲.

^{۲۴} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۸۴.

^{۲۵} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۴۰، ۶۷۷، ۱۸۹، ۶۰۰، ۳۵۷ و ۴۰۵، ۵۲۵، ۶۰۰ و ۷۰۲.

از سخنان عرفی، نظیری و ظهوری که از سرآمدان طرز نازک خیال تازه‌اند در می‌یابیم که خان‌خانان شخصاً دوستدار "معنی دور"، "نکتۀ مستور" و "دقت اندیشه" بوده است. این ذوق مسلماً نقش مهمی در ترویج طرز نزاکت‌بندی و خیال‌های دقیق و دور داشته است. ظهوری ترشیزی (م. ۱۰۲۶ق) در وصف بزم ادبی خان‌خانان گفته است:

بزم خاص است درو نکته به دستور بیار
معنی دور طلب کن سخن دور بیار
راز دل فاش مکن پرده آن غمزه مدر
محرم سر شده‌ای نکته مستور بیار
این غزل در صف ایوان سپه‌دار بخوان
زان محک گاه افاضل خط منشور بیار^{۲۶}

نظیری نیز به دقت اندیشه خود تفاخر کرده است:

چنان ز دقتم اندیشه تنگ‌میدان شد
که لفظ و معنی‌ام از طبع رویگردان شد
بود چکیده مغز خرد جواهر من
نه قطره‌ای که حرج بر گلوی مستان شد
ز بیم دقت و اصلاح مفسدان سخن
هزار گوهر معنی نصیب نیسان شد
قیاس حوصله با رشحه گفت کردم
درون خانه موری هزار طوفان شد^{۲۷}

کمال‌الدین جسمی همدانی (ورود به هند ۱۰۱۶ق) نیز از توجه خان‌خانان و طبع دقیقه‌پسندش سخن گفته است:

خدا یگانا ترتیب داده‌ام نظمی
چو مشرب تو مصفا چو خاطر تو منیر
پر از نکات دقایق چنان که پنداری
خرد حکایت طبع تو می‌کند تقریر

^{۲۶}نهایندی، مأثر رحیمی، جلد ۳، ۱۸۵.
^{۲۷}نهایندی، مأثر رحیمی، جلد ۳، ۱۳۱-۱۳۴.

همه حلاوت و لذت چنانکه تو گویی
کلام توست که کلک تو می‌کند تحریر^{۲۸}

خان‌خانان شعرشناس بود، شعرها را حک و اصلاح می‌کرد و شاعران با توجه به ذوق و سلیقه‌اش شعر می‌گفتند و با بیم و احتیاط شعر خود را بر او می‌خواندند. حتی صائب که سه دهه بعد به برهان‌پور رفت، دربار عبدالرحیم را در قصیده مدح ظفرخان احسن "دارالعیار سخن و نظم" نامید. نظیری نیز گفت که خدمت خان و تأثیر کیمیاثر آستان او نظیری را به "معیار نظم" بدل کرده است:

معیار نظم گشت نظیری ز خدمتت
تأثیر کیمیاست در این خاک آستان

ب. تغزل نازک خیالانه در قصیده

لحن تغزلی هم بر قصاید و هم بر ترکیب‌بندهای مدحی شاعران برهان‌پور غلبه دارد. این صفت با روح نازک‌پسند حاکم بر دربار خان‌خانان هماهنگی داشت. یکی از ویژگی‌های سبکی رایج در میان شاعران برهان‌پور تجدید مطلع قصیده با غزل است، به این صورت که در میانه قصیده با غزلی بر همان وزن و قافیه تجدید مطلع می‌کنند.^{۲۹} جالب آنکه شاعر در بیت قبل از مطلع غزل به این قالب گردانی اشاره می‌کند:

کشید میل دلم زان غزاله سوی غزل
به سوی مطلع دیگر نمود مهر آهنگ
به مدحتش به زمین قصیده ثانی فکر
فکنده از غزل تازه مطلع دیگر

گرچه این سنت پیش‌تر نیز برقرار بود،^{۳۰} و فورش در کار شاعران برهان‌پور نشان می‌دهد که غزل نازک‌خیال با قصیده‌های دربار برهان‌پور نسبت استواری دارد و مداحان برهان‌پور در دل قصاید مدحی خود غزل نازک‌خیال می‌آورده‌اند. این سنت تا دو دهه بعد، یعنی تا دهه چهارم هجری، همچنان در میان شعرا رایج بود. صائب تبریزی که در سال‌های ۱۰۴۰ق در دربار ظفرخان احسن بود نیز به سنت شعرا در قصیده مدحی با غزل تجدید مطلع و به قول خودش در دل قصیده غزلی تضمین کرد:

^{۲۸} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۳۰.
^{۲۹} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۹۰، ۵۰۲، ۵۶۰. تصحیح محمد قهرمان (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳)، ۱۸۷.
^{۳۰} از جمله بنگرید به میرزاقلی میلی مشهدی، دیوان، ۵۸۲، ۵۸۴، ۶۱۶، ۶۷۳، ۸۰۸ و ۸۱۲.

به سنت شعرا در مدیح خود غزلی درین قصیده به تقریب می‌کنم تضمین

فضای تغزلی در اشعار مدحی حلقهٔ برهان‌پور با اغراق‌ها و خیال‌های نازک و انتزاعیات قصاید درباری درهم‌آمیخت و مقدمات غزل نازک‌خیال فارسی را در قرن یازدهم هجری فراهم کرد.

روش ترکیب‌بندسرایي در دربار عبدالرحیم نیز عبارت است از تعدادی غزل در یک وزن که حاوی ابیاتی در مدح خان‌خانان است. ترجیع بند مشهور "بنشینم و صبر پیش گیرم" سعدی الگوی اغلب شاعران برهان‌پور بود. این ترجیع‌بند عاشقانهٔ سعدی سخت با استقبال شاعران قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری روبه‌رو است و علاوه بر حضوری قمی، شاعرانی مانند انیسی شاملو و نظیری نیز آن را جواب گفتند.^{۳۱}

ج. عیار بالای فضل و سخنوری

دربار خان‌خانان را "محک‌گاه افاضل" و "دارالعیار" سخن‌سنجی نامیده‌اند. عیار دانایی و شعرشناسی در حلقهٔ ادبی برهان‌پور چندان بالا بود که شاعران نمی‌توانستند به راحتی شعر خود را در محضر خان عرضه کنند. آنها نخست شعر خود را بر شاعران "نکت‌پور" می‌خواندند و پس از آنکه حک و اصلاح در شعرشان صورت می‌گرفت و از شاعران برتر مثل حاذق گیلانی، شکیبی، عرفی، نظیری، انیسی تعریف و تحسین می‌پذیرفت، به دست یکی از این مقربان به اصلاح خود سپهسالار نیز می‌رسید تا جواز خواندن در بزم خان‌خانان را می‌یافت.^{۳۲} حلقهٔ خان‌خانان از سنت کهن دربارهای سامانی و غزنوی و سلجوقی پیروی می‌کرد. در آن دربارها، عرضهٔ شعر به بارگاه شاه سلسله‌مراتبی داشت. شعر را نخست بر ملک‌الشعرا یا شاعران درست‌طبع می‌خواندند و پس از آنکه از محک قبول افاضل می‌گذشت، در بزم شاه عرضه می‌شد. چنان که وقتی فرخی سیستانی قصد دربار چغانیان کرد، نخست شعرش را در داغگاه بر عمید اسعد چغانی عرضه کرد و پس از قبول او اجازهٔ حضور در محضر شاه را یافت.

خان‌خانان در شعرشناسی زبازند اهل فضل بود. شاعران هنگام عرضهٔ اشعار خود دست و پای گم می‌کردند و کار خود را "زیره به کرمان بردن"^{۳۳} یا "گل وحشی به گلستان آوردن" و کمال بی‌ادبی در محضر ادب می‌شمردند. انیسی شاملو در مدح خان‌خانان گفت آنجا که

^{۳۱} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۱۸ و ۱۷۳.
^{۳۲} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۸۹، ۵۵۱، ۶۷۸ و ۶۹۱.
^{۳۳} رسمی قلندر یزدی بزم ادبی خان‌خانان را چنین وصف کرده است: خدایگانا طول کلام بی‌ادبی است / به حضرت تو که ارباب فضل راست مقر / حدیث زیره

و کرمان کسی که نشنیده است / به آب مدح تو سازد لب تکلم تر / رهی به مدح تو نازد چنان که می‌نازید / به مدح خاقان خاقانی سخن گستر. بنگرید به نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۷۱۰.

تویی اظهار شاعری چنان است که "مرد نادان گل خودرو به گلستان آرد."^{۳۴} شاعری دیگر با نام جسمی همدانی (ورود به هند ۱۵۰۱ ق) نیز در باب خان‌خانان و دانش ادبی او گفت:

از آن زمان که مقرر سریر دولت توست
بهشت رشک برد بر سواد برهان‌پور
هنرنوازا، آنجا که رای روشن توست
دقیقه‌های هنر هست در کمال ظهور
دلیل بی‌ادبی، بل کمال بی‌هنری است
که نام شعر برم یا سخن کنم مذکور^{۳۵}

عبدالرحیم خان بسیار دشوارپسند بود و عیار قبولش چندان بالا که جان و توان شاعران از وسواس عرضه شعر خوب می‌سوخت. حیاتی گیلانی اعتراف کرده است که هزار بار باید در خون بغلتد تا مصرعکی از وی مقبول طبع بزم خان‌خانان افتد:

سخن‌پناها، وسواس شعر شاعر را
توان بکاهد و جان در بدن بسوزاند
برای مصرعکی تا قبول طبع شود
هزار مرتبه در خاک و خون بغلتاند
خصوص از پی مدحی که آن ترا زبید
به جان درون رگ اندیشه سر بیچاند
در این قصیده تنگ آن جفا که من دیدم
کسی نداند اگر داند انوری داند^{۳۶}

ذوق حاکم بر بزم سپهسالار مسیر شعر فارسی را از سادگی و وقوع‌گویی به جانب پیچیدگی، دقت و نازکی خیال سوق داد و حکیم حاذق گیلانی، که چهارده سال در دربار اکبرشاه و در خدمت خان‌خانان بود، در شکل‌گیری این ذوق نقش بسزایی داشت.

د. هموردی با قصیده‌سرایان قرن‌های ششم و هفتم هجری

اگر نگوییم حلقه ادبی برهان‌پور بازگشتی به شعر مدحی و درباری قرن ششم و هفتم هجری بود، دست کم می‌توان گفت که از نظر قالب‌های شعری و شیوه تصویرپردازی

^{۳۴}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۲۶.

^{۳۴}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۱۷.

^{۳۵}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۳۷.

و تخیل الگوهای اصلی خود را از قصاید مدحی ازرقی، انوری، خاقانی، کمال اسماعیل اصفهانی و دیگر شاعران بلندنام قدیم در سبک خراسانی و آذربایجانی می‌گرفت. شاعران برجستهٔ دربار خان خانان به تتبع قصاید شاعران قرن‌های ششم و هفتم هجری پرداختند و گاه به هم‌وردی و تفاخر با آنها برخاستند. در ادامه، برخی از شاعران قدیم را که محل علاقه و توجه نازک‌خیالان برهان‌پور بودند معرفی می‌کنم.

ازرقی

سایهٔ سبک ازرقی هروی (م. ۵۰۵ق) شاعر قرن پنجم و اوایل ششم هجری بر قصاید شاعران برهان‌پور محسوس است. میرمحمدهاشم قصه قصیده‌ای دارد که بر وزن و قافیهٔ قصیدهٔ لامیهٔ مشهور ازرقی است. لحن و تصاویر آن دو قصیده به یکدیگر شباهت دارند. ازرقی در آن قصیده گوید:

خون به قیفال در از بیم بیفسرد ولیک
بزد ایام ز مژگان یکایک قیفال^{۳۷}

و میرمحمدهاشم قصه نیز گوید:

آمد آن دم که نگه خنجر بسمل بکشید
نشتر غمزه گشاید ز رگِ جان قیفال

ابیات دیگر قصیدهٔ میرمحمدهاشم قصه نیز از لحاظ اغراق در انتزاعیات به اسلوب ازرقی شبیه است:

آنچنان تند ستمگر که ز تیغ مژه‌اش
خون چکد از رگ اندیشه به هنگام خیال
روی شب چون دل سیاره شود گر گویی
رای خود را که به رخسار شب انگشت بمال
چشم سیاره شود چون دل شب تیره اگر
میل اندر دل بدخواه تو مالد کحال^{۳۸}

^{۳۷} ازرقی هروی، دیوان، تصحیح علی عبدالرسولی (تهران): چاپخانهٔ دانشگاه تهران، ۱۳۳۶، ۵۸. قیفال رگی در بازو
^{۳۸} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۶۴. است که آن را مخصوص به سر و روی می‌دانستند.

همچنین، قصیده تجلی گیلانی با قافیۀ رنگ و پلنگ و نهنگ^{۳۹} شباهت بسیار دارد به قصیده ازرقی^{۴۰} با همین وزن و قافیه. نهاوندی در خلال تذکراهش بیتی از ازرقی آورده است:

ز گنج او به سوی زایران درگه او
چو مور در گذر خاک راه چیند مال^{۴۱}

این بیت ازرقی بدون هیچ اشاره‌ای عیناً در قصیده نظیری نیشابوری آمده است. همچنین، در یکی از قصاید نظیری بیت زیر آمده است:

رنگین میی که بر کفن مرده ار چکد
از تن رگ فسرده شود شاخ ارغوان^{۴۲}

شاپور تهرانی که در قصیده پیرو ازرقی، انوری، خاقانی و کمال اسماعیل بود، بیتی از ازرقی را تضمین کرده است:

شنیده‌ام که حکیم ازرقی درین معنی
چه خوش حدیثی آورد بر زبان بیان
مثال طبع چو کان باشد و سخن گوهر
اگر طلب نکنندش بماند اندر کان^{۴۳}

انوری

سخن انوری (م. ۵۸۵ق) را به "طراوت و نازکی" وصف کرده‌اند.^{۴۴} بسیاری از شاعران نازک‌خیال حلقۀ برهان‌پور به سبک وی توجه داشتند. عرفی شیرازی در مدح خان‌خانان قصیده‌ای سرود بر وزن و قافیۀ قصیده انوری و با انوری به مفاخره برخاست:

انصاف بده بوالفرج و انوری امروز
بهر چه غنیمت نشمارند عدم را
اول ره این نظم خود ایشان بسپردند
پس باز نمودیم به هم منزل هم را^{۴۵}

(تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲)، ۵۶۰.
^{۴۴} دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، تصحیح ادوارد بروان (هلند: لیدن، مطبعۀ بریل، ۱۳۱۸ق/۱۹۰۰م)، ۱۱۰.
^{۴۵} عرفی شیرازی، کلیات، ۲۲.

^{۳۹} نهاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۸۰.
^{۴۰} ازرقی هروی، دیوان، ۵۱.
^{۴۱} نهاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۴۰.
^{۴۲} ازرقی هروی، دیوان، ۶۵. همان بیت با نام نظیری هم آمده است. بنگرید به نهاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۱۴۰.
^{۴۳} شاپور تهرانی، دیوان، تصحیح و تحقیق یحیی کاردگر

شاعر دیگر حلقهٔ برهان‌پور، ملک قمی، نیز همین قصیدهٔ انوری را جواب گفته است.^{۴۶} حیاتی گیلانی نیز به سختی‌هایی که در تتبع قصیدهٔ انوری کشیده اعتراف می‌کند:

در این قصیدهٔ تنگ آن جفا که من دیدم
کسی نداند اگر داند انوری داند^{۴۷}

نادمی، شاعر دیگر دربار خان‌خانان، قصیدهٔ مشهور ”دل اگر دست و بحر کان باشد“ از انوری را تتبع کرد.^{۴۸} نظیری نیشابوری نیز قصایدی بر وزن و قافیه و لحن قصیده‌های انوری در مدح خان‌خانان سرود، از جمله در جواب ”ای قاعدهٔ تازه ز دست تو کرم را“ و ”ای برادر بشنوی رمزی ز شعر و شاعری“^{۴۹} از قصاید انوری. در قصیده‌ای دیگر نیز بی‌تی از انوری را تضمین کرده است:^{۵۰}

در بیان حال این مجلس ز شعر انوری
بهر تضمین می‌کنم بی‌تی مناسب انتخاب
این منم یا رب در این مجلس به کف جزو مدیح
وان تویی یا رب در آن مسند به کف جام شراب^{۵۱}

حکیم حاذق، سرسلسلهٔ حلقهٔ برهان‌پور، به انوری تعلق خاطر ویژه داشت. در نامه‌هایش به دوستان و خویشاوندان و امیران مکرر از ابیات انوری بهره می‌برد و از او با عزت یاد می‌کرد.^{۵۱} او غلامش لقمان را تشویق کرد تا قصیدهٔ ”بامداد عید“ انوری را حفظ کند و لقمان سه روزه قصیدهٔ مذکور را حفظ کرد و جایزهٔ خوبی از حاذق گرفت.^{۵۲} حاذق صراحتاً گفته است ”این التذادی که از مطالعهٔ کتب پیشینگان به هم رسیده، در رنگ ذوقی باشد که از خواندن اشعار انوری مداح حاصل می‌شود.“^{۵۳} او در اواخر عمر از خواندن اشعار مدح و غزل مجازی به کلی دست کشید و به مطالعهٔ سخنان صوفیان و حافظ و سنایی و نظامی روی آورد، اما نوشت که ”انوری مداح که در نظر حکم پیل

^{۴۶} عبدالباقی نهایندی، مأثر رحیمی، جلد ۳، ۲۶۵. وقتی قصاید انوری را با تأمل می‌خوانیم، بیت‌هایی با اسلوب تخیل نازک خیالان قرن یازدهم هجری در آنها می‌یابیم: سوهان فلک تا گل عدل تو شکفته‌ست / تیزی نتواند که دهد خار ستم را / تا خاک کف پای ترا نقش نبستند / اسباب تب لرزه ندادند قسم را / بدخواه تو در سکنهٔ این تختهٔ خاکی / صفری است که بیشی ندهد هیچ رقم را / از بهر وجود تو که سرمایهٔ اشیاست / نشگفت که در خانه نشانند عدم را.

^{۴۷} عبدالباقی نهایندی، مأثر رحیمی، جلد ۳، ۲۲۶.

^{۴۸} عبدالباقی نهایندی، مأثر رحیمی، جلد ۳، ۶۹۷.

^{۴۹} عبدالباقی نهایندی، مأثر رحیمی، جلد ۳، ۹۷ و ۱۱۲.

^{۵۰} عبدالباقی نهایندی، مأثر رحیمی، جلد ۳، ۹۶.

^{۵۱} حکیم ابوالفتح حاذق گیلانی، رقعات، نامه‌های ۴، ۴۲، ۴۹، ۶۲، ۷۹، ۹۴، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۴۸، ۱۵۲.

^{۵۲} حاذق گیلانی، رقعات، نامهٔ ۱۴.

^{۵۳} حاذق گیلانی، رقعات، نامهٔ ۴۷.

مست پی و چهره دارد، از طبع من خلاص نگرود.^{۵۴} این بیت انوری که نازک خیالی آن برجسته است در رقعات حاذق گیلانی نقل شده است:^{۵۵}

ساقیان لهجه او چون شراب اندر دهند
هوش گوید گوش را هین ساغری کن ساغری

شاپور تهرانی نیز در قصیده سخت تحت تأثیر انوری بود.^{۵۶}

خاقانی

شاعران حلقه برهان پور از میان قدمای مدیحه سرا به خاقانی (م. ۵۹۵ق) بیش از دیگران توجه می کردند. آنها پیوسته دربار خان خانان را با دربار خاقان شروان و خود را با خاقانی شروانی مقایسه می کردند و بر خاقانی تفاخر جسته یا بر او حسرت می خوردند. کامی سبزواری قصیده "صبح چون زلف شب براندازد" خاقانی را تتبع کرده،^{۵۷} شریف کاشانی قصیده "مذکوره لاسحار" خاقانی را جواب گفته،^{۵۸} علاوه بر خاقانی، به انوری هم نظر داشته و بر هر دوی آنها تفاخر جسته است:

منم که گرمی ابیات من جهان بگرفت
که بود انوری و چیست نظم خاقانی؟^{۵۹}

حتی وقوعی نیشابوری، که در ایران به ابیات ساده عاشقانه شهره بود، در قصیده خود چهار بیت خاقانی را تضمین کرد.^{۶۰} سیفی قزوینی در شرح حال او نوشت: "معتقدش در قصیده انوری و کمال اسماعیل و در غزل سعدی و خسرو است. تتبع روش ایشان می نماید."^{۶۱} ملا شیرازی که در ۹۹۸ق با معرفی شکیبی اصفهانی به دربار خان خانان راه یافت، قصیده "صبحدم چون کله بندد آه دودآسای من" را جواب گفت.^{۶۲} یکی از سپاهیان، با نام مصطفی خان، نیز همین قصیده خاقانی را تتبع کرد.^{۶۳} نظیری

^{۵۴} حاذق گیلانی، رقعات، نامه ۶۳، توجه و احترام حاذق نسبت به انوری خلاف آن چیزی است که بدائونی در منتخب التواریخ نوشته است. بدائونی می گوید که حاذق "انوری را پیوسته انوریک مداح گفته او را به میر بادنجان تشبیه می داد." بنگرید به بدائونی، منتخب التواریخ، جلد ۳، ۱۶۷.

^{۵۵} حاذق گیلانی، رقعات، نامه ۳۸.
^{۵۶} شاپور تهرانی، دیوان، ۵۰-۵۲، مقدمه مصحح.
^{۵۷} نیشابوری، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۸۹.
^{۵۸} نیشابوری، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۷۳.
^{۵۹} نیشابوری، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۹۷.

^{۶۰} نیشابوری، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۸۸.
^{۶۱} میرعلاءالدوله بن یحیی سیفی حسینی کامی قزوینی، نفایس المآثر (دستنویس ۱۰۸۵ ق، شماره ۶۲۵، کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگر دهلی)، ذیل وقوعی نیشابوری

^{۶۲} نیشابوری، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۴۴-۵۴۹.
^{۶۳} نیشابوری، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۴۴-۵۴۹. بررسی تفاوت های سبکی شاعران نازک خیال با اشعار متقدمانی که از آنها تتبع کرده اند خود پژوهش مستقلی می طلبد تا شباهت و افتراق سبک خاقانی و کمال و انوری و ازرقی با سبک شاعران حلقه برهان پور مشخص شود.

نیشابوری هفت‌بندی در هنگام وداع مکه سرود که پژواک لحن، سبک و قالب قصاید خاقانی از آنها به گوش می‌رسد. نظیری علم برتری بر خاقانی و کمال‌الدین اسماعیل را نیز برافراخت:

در این قصیده به گستاخی از چه عرفی گفت
‘به داغ رشک پس از مرگ سوخت خاقانی،’
کنون به رشک چنان او به رشک من سوزد
که در تنور توان سوخت گوسفند بریانی
دگر که گفت مبادا که راوی شعرم
در این قصیده به روز کمال بنشانی^{۶۴}

حاذق گیلانی هم علاقه خاصی به خاقانی داشت. نپاوندی بر توجه ویژه حاذق به خاقانی تصریح کرده است: “[حاذق] به طرز و روش قدما به تخصیص ملک الشعراء حکیم خاقانی حرف می‌زند و اعتقاد تمام به روش قدما دارد و لغات مشکله و الفاظ دقیقه در اشعار آبدار خود به کار می‌برد و معانی تازه دلنشین می‌پردازد.”^{۶۵} همین حکیم حاذق بود که ثنایی مشهودی و عرفی شیرازی را به قصیده‌سرایی و مدح خان‌خانان ترغیب کرد. عرفی در نخستین قصیده مدحی خود به تفاخر با خاقانی برخاست:

ببین که تافته‌ابریشمش چه خامی یافت
ز تاب اطلس من شعر باف شروانی
زمانه بین که مرا جلوه داد تا از رشک
به داغ رشک پس از مرگ سوخت خاقانی

ظهوری ترشیزی نیز به معارضه با شیرمرد شروانی برخاست:

خدا کند که ز فیض توجه خاقان
زمانه خامه نهد در بنان خاقانی
ز لطف خوان سگ کوی خود که بگشایم
در معارضه با شیرمرد شروانی^{۶۶}

^{۶۴} نپاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۱۲۱.

^{۶۵} نپاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۸۳.

^{۶۶} نپاوندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۲۴۵.

سنجر کاشانی از انوری، مجد همگر و بیشتر از همه از خاقانی تتبع کرده و بارها از او در شعرش نام برده است،^{۶۷} اما نهایتاً از او روی می‌گرداند و به استقلال خود می‌اندیشد و تتبع طرز خویش می‌کند و می‌گوید:

زین پس من و تتبع سنجر کز این غزل
فیض ازل ز شاعر شروان نیافتم

عرشی، شاعر هندی‌تباری از اهالی خیرآباد هندوستان، قصیدهٔ ”خیز تا رخت دل براندازیم“ خاقانی را تتبع کرد و قصیدهٔ غرابی در مدح خان‌خانان بر آن وزن و قالب ساخت. او در مدح خان‌خانان گفت که در درگاه تو هزار خاقانی صحیفه‌های مدح را در دست گرفته و منتظرند:

همه صفایح مدحت گرفته منتظرند
به درگه تو هزاران هزار خاقانی^{۶۸}

کمال‌الدین اسماعیل

حیاتی گیلانی (م. ۱۰۲۸ ق) در مدح خان‌خانان از یک ”مخترع سپاهانی“ نام برده و گفته که به ضرورت سنت تتبع قدما که در برهان‌پور رایج بود، از آن شاعر سپاهانی تتبع کرده است:

ولی چه سازم چون نظم این طویلۀ در
تتبعی است که بُد مخترع سپاهانی
مرا به رسم تتبع ضرور شد گفتن
و گرنه خود من و زین‌گونه لاف لایانی^{۶۹}

ظاهراً آن مخترع سپاهانی کمال اسماعیل اصفهانی، شاعر قرن هفتم هجری، است که دو قصیده بر همین وزن و قافیه دارد.^{۷۰} میرغروری کاشانی نیز قصیدهٔ سوگندنامه‌ای سروده است که بی‌شبهت به سوگندنامهٔ کمال اسماعیل نیست.^{۷۱} شاعری دیگر نیز با نام ملاامینی به معانی رنگین خود اشاره کرده که اگر کمال اسماعیل اصفهانی در این روزگار می‌بود آنها را تحسین می‌کرد:

^{۶۷} محمدهاشم سنجرکاشانی، دیوان، تصحیح و تحقیق حسن عاطفی و عباس بهنیا (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷)، ۴۸، ۳۴۰، ۲۴۵، ۳۰۷ و ۳۸۰.
^{۶۸} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۴۲.
^{۶۹} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۲۰.
^{۷۰} کمال‌الدین اسماعیل، دیوان، ۲۴۵ و ۶۳۸.
^{۷۱} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۲۹.

بدین معانی رنگین صد آفرین گفתי
اگر به عهد تو بودی کمال اصفاهان^{۷۲}

توجه شاعران دربار خان خانان به همین چند شاعر محدود نمی‌شد. شاعری با نام غنی بیگ اسدآبادی را که در زندان اکبرشاه حبسیه می‌سرود مسعود سعد زمان می‌گفتند.^{۷۳} شتابی نیز قصیده‌اثر اخسیکتی را تتبع کرد^{۷۴} و در متن قصیده مدحی میرغروری کاشانی این بیت ظهیر فاریابی (م. ۵۹۸ق) مندرج است:

هنر مگیر و فصاحت مگیر و شعر مگیر
که من غریبم و تو صاحب غریب‌نواز^{۷۵}

پژواک لحن شاعران بزرگ سبک خراسانی و آذربایجانی در مدایح خان خانان و دربار اکبر و جهانگیرشاه و دیوان‌های شاعران ایرانی مقیم برهان‌پور و آگره و دکن شنیده می‌شود. اگر قصاید شاعران برهان‌پور و مدایح خان خانان بیشتر کاویده شود، رد پای بسیاری اشعار مشهور شاعران قرن‌های ششم و هفتم در دیوان‌های شاعران قرن یازدهم هجری آشکار شده است. برخی ویژگی‌های مشترک مدیحه‌های شاعران متقدم با نازک‌خیالان حلقه برهان‌پور عبارت است از

۱. اغراق در انتزاعیات و وهمیات
۲. اغراق‌های خیالی در مدح
۳. تازه‌سازی زبان و بیان به مدد استعاره
۴. مضمون‌بندی از طریق برداشت‌های ضمنی دقیق از امور
۵. ایجاد تناسب‌ها و روابط خیالی میان پدیده‌ها
۶. نازک‌اندیشی و دقت در امور جزئی
۷. عواطف رقیق

چنان که نشان دادیم، الگوی شاعران مهاجر هند شاعران بزرگ متقدم فارسی و اسلوب آنها همانند اسلوب شاعران قدیم بود، با این تفاوت که شاعران برهان‌پور زبانی ساده‌تر و روان‌تر دارند، شعرشان از علوم و دانش‌های غریبه و تلمیحات دور از فهم خاقانی و انوری و ازرقی و عثمان مختاری خالی است و شعر نازک‌خیالان عواطف رقیق‌تر و نازک‌اندیشی‌های بیشتری نسبت به قدما دارد.

^{۷۴}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۷۹۷.
^{۷۵}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۳۱.

^{۷۲}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۵۱.
^{۷۳}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۵۲.

جلد سوم مآثر رحیمی، مجموعه‌ای از مديح شاعران ایرانی در مدح خان‌خانان است. قصاید و تراجیع و تراکیب و ساقی‌نامه‌های این مجموعه از نظر نظم نحوی و واژه‌گزینی از سلاست، استواری و صلابتی هم‌سنگ انوری و خاقانی برخوردارند و از نظر نازکی خیال و اغراق‌های شاعرانه و حسن تعلیل بر کمال اسماعیل تفوق دارند. قصاید طولانی با قوافی دشوار و زبان رصین و مطمئن در حلقهٔ برهان‌پور هواخواهان بسیار داشت که در واقع ادامهٔ طرز ادبی و فاخر قصیدهٔ درباری عهد غزنوی و سلجوقی است. با توجه به این شباهت‌ها، سخن محققانی مانند علامه قزوینی، ادوارد براون، ملک‌الشعراى بهار، حسین مکی، رضازادهٔ شفق و دیگرانی که شعر فارسی بعد از حافظ و به خصوص شعر فارسی دربارهای هند در قرون دهم و یازدهم هجری را منحط و پست خوانده‌اند محل تأمل است. قضاوت ایشان احتمالاً به سبب عدم تدقیق در دقایق شعر این قرون بوده است.

ساده‌پسندی در آگره و نازک‌پسندی در برهان‌پور

در همان زمان که حلقهٔ ادبی برهان‌پور سخت به نوگرایی و تازه‌گویی در نازک‌خیالی و دقت در معانی دور و عجیب‌گرایش داشت، دربار جهانگیرشاه در شهر آگره فضایی کاملاً سنتی و متفاوت داشت. قاطعی هروی تذکرهٔ مجمع‌الشعراى جهانگیری، تألیف ۱۰۲۴ق، را دربارهٔ شاعران دربار اکبرشاه نوشت. این کتاب نمایندهٔ ذوق دربار آگره است^{۷۶} که هم‌زمان با تذکرهٔ مآثر رحیمی، تألیف ۱۰۲۴ق، در دو مرکز مهم ادبی و سیاسی هند تألیف شده‌اند. تصویری که قاطعی از فضادی ادبی دربار آگره ارائه داده است و نوع‌گزینش شعرهای شاعران آگره نشان می‌دهد که در دربار جهانگیرشاه همچنان غزل وقوعی و ابیات سادهٔ عاشقانه مورد پسند بود. در این کتاب گرایشی به تازه‌گویی، نازک‌خیالی و دقیقه‌یابی نمی‌بینیم. درست برخلاف مآثر رحیمی که بنایش بر "معانی عجیبه" و "مضامین غریبه" بود، فضای ادبی دربار اکبرشاه در آگره شباهت فراوانی با محافل ادبی شهرهای قم، کاشان و اصفهان داشت. پرشورترین جلسات شعرخوانی و انجمن‌های ادبی در میدان‌ها، دکان‌ها، قهوه‌خانه‌ها و تکیه‌های عمومی در ایران به عرضۀ شعر سادهٔ عاشقانهٔ وقوعی اختصاص داشت، اما هم‌زمان بزم فاضلانۀ سپهسالار اکبرشاه در برهان‌پور دقت خیال و نزاکت معنی را با عیار بالا رواج می‌داد.

^{۷۶} قاطعی هروی، تذکرهٔ مجمع‌الشعراى جهانگیرشاهی، تصحیح و مقدمهٔ محمدسلیم اختر (کراچی: دانشگاه کراچی، مؤسسهٔ تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، ۱۹۷۹).

شاعران ایرانی در حلقهٔ برهان پور

در فهرست شاعران دربار خان‌خانان نام ۱۰۶ شاعر آمده است که جز چند نفری باقی همه ایرانی و از مهاجران نوآمده به هندند. آنها در فاصلهٔ سال‌های ۹۹۰ تا ۱۰۲۴ ق در شهر برهان پور محل حکومت خان‌خانان مستقر شده‌اند. برخی از شاعران مشهور ایرانی در دربار خان‌خانان و اکبر شاه عبارت‌اند از

شاعر	ورود به هند	خروج/وفات	اقامت در هند	ملاحظات (تاریخ‌ها به هجری قمری)
میلی مشهدی	۹۷۹	۹۸۴	۵	اواخر عمر
قراری گیلانی	۹۸۳	۹۹۲	۹	برادر حکیم ابوالفتح
ثنایی مشهدی	۹۸۸	۹۹۶	۸	اواخر عمر
حاذق گیلانی	۹۸۳	۹۹۷	۱۴	اواخر عمر
عرفی شیرازی	۹۹۲	۹۹۹	۷	اواخر عمر
حیدری تبریزی	۹۷۲	۱۰۰۲	۳۰	سه بار به هند رفت.
صرفی ساوجی	۹۸۸	۱۰۰۲	۱۴	اواخر عمر
وقوعی نیشابوری	؟	۱۰۰۲	؟	اواخر عمر
کفری تربتی	؟	۱۰۱۳		از جوانی به هند رفت.
انیسی شاملو هروی	۹۹۷	۱۰۱۴	۱۷	اواخر عمر
کامی سبزواری	۹۹۵	۱۰۱۴	۱۹	قتل در هرات
بقایی اسفراینی	؟	۱۰۱۵	؟	قتل در شمس‌آباد هند
محوی همدانی	۹۹۱	۱۰۱۶	۲۷	دوبار به هند رفت و در ایران وفات یافت.
نوعی خبوشانی	۱۰۰۲	۱۰۱۹	۱۷	از جوانی به هند رفت و در برهان پور درگذشت.
سنجر کاشانی	۱۰۰۰	۱۰۲۱	۲۱	اواخر عمر
شکبیبی اصفهانی	۱۰۱۴	۱۰۲۳	۹	اواخر عمر
نظیری نیشابوری	۹۸۸	۱۰۲۳	۳۵	اواخر عمر
جسمی همدانی	۱۰۱۶	۱۰۲۴	؟	نهبانندی می‌نویسد که در ۱۰۲۴ زنده بوده است. در ۹۹۹ به اصفهان رفت.
رسمی قلندر یزدی	؟	؟۱۰۲۴	؟	زنده در ۱۰۲۴

تقیای شوشتری	۱۰۰۴	۱۰۲۵	۲۱	در ۱۰۰۴، برای اکبرشاه نامه می‌سرود.
سراجای اصفهانی	؟	؟۱۰۲۵	؟	زنده در ۱۰۲۵
رفیعی-حیدر معمایی	۱۰۰۲	۱۰۲۵	۲۲	اواخر عمر
شاپور تهرانی	۹۹۶	۱۰۲۵	۳۹	۹۹۶-۱۰۰۳ و بار دوم ۱۰۱۹-۱۰۲۵. درگذشته در ۱۰۳۰
ظهوری ترشیزی	۹۹۳	۱۰۲۵	۳۲	اواخر عمر
ملک قمی	۹۸۷	۱۰۲۵	۲۸	
حیاتی گیلانی	۹۸۹	۱۰۲۸	۳۹	بر اساس نامه‌های حاذق، در ۹۸۹ در هند بود.
فغفور لاهیجی	۱۰۱۴	۱۰۲۹	۱۵	اواخر عمر
عبدالباقی نهایندی	۱۰۲۳	۱۰۴۲	۱۹	اواخر عمر
شیدای تکلو فتح‌پوری	از تولد	۱۰۸۰	همه عمر	پدرش از مشهد به هند رفت و او در فتح‌پور زاده شد.

تازه‌گویان بیشتر در میان نوآمدگان به هند

موج مهاجرت به هند از ۱۰۱۰ تا ۱۰۲۵ ق رخ داد. در آن روزگار، آوازه سخاوت و حمایت خان‌خانان در ایران دهان به دهان می‌گشت و شوق حضور در دربار او را در شاعران ایران برمی‌انگیخت. پیش از برهان‌پور، کاشان و تا حدودی شیراز مرکز ادبی بودند. اغلب شاعران مهاجر از اطراف ایران راهی کاشان می‌شدند و از آنجا به هند می‌رفتند، از آن جمله‌اند حیاتی گیلانی، صرفی ساوجی، ملک قمی، میراشکی قمی (م. ۹۷۲ق)، سنجر کاشانی که به اصفهان و سپس در ۱۰۰۰ ق به هند رفت. نهایندی از شاعران ایرانی مهاجر به هند با صفت "نوآمدگان و تازه‌گویان" یاد کرده است. علاوه بر این شاعران که همه در همان سال‌ها به هند آمده بودند، نهایندی از نوآمدگانی یاد می‌کند که هم‌زمان با خود او در ۱۰۲۳ ق به هند آمدند.^{۷۷}

سیل مهاجرت اهل سخن و فضل تا بدان حد رسیده بود که دو دهه بعد، صائب وقتی به شهر برهان‌پور آمد گفت که اگر ایران از سخن‌سنجان تهی نمی‌شد، خیال‌ها و تصاویر غریب شعری او به غربت هندوستان نمی‌افتاد:

^{۷۷}نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۰۵. برخی از این افراد عبارت‌اند از حاتم فهمی و مقصود رضا و شجاع (نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۰۵)، ابراهیم حسین دیری ترشیزی شاگرد نوعی خوشانی (نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۴۳)، بقایی اسفراینی (نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۰۰)، تجلی گیلانی (نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۷۳) و صیدی یواناتی (نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۲۰) غروری کاشانی (نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۲۲)، یوسف طبعی (نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۶۲).

کی خیالات غریب من به غربت می فتاد
از سخن سنجان نمی گردید اگر ایران تهی^{۷۸}

ناگزیری نوآمدگان از تغییر سبک در برهان پور

نازک خیالی و مدیحه‌سرایی در شهر برهان پور و بخش‌هایی از هند چندان مسلط بود که شاعران وقوع‌گوی ایرانی به محض ورود به آنجا سبک خود را تغییر می‌دادند تا مقبول طبع بزم ادبی سپهسالار واقع شوند. شاعرانی که در ایران غزل‌های ساده‌عاشقانه‌ای به سبک وقوع می‌سرودند، پس از ورود به هند به جانب مدیحه‌سرایی و خیالات نازک و اغراق‌های شگفت تغییر ذوق می‌دادند. عرفی شیرازی در ایران متمایل به غزل بود و قصیده را کار هوس‌پیشگان می‌دانست:

قصیده نظم هوس‌پیشگان بود عرفی
تو از قبیله عشقی، وظیفه‌ات غزل است^{۷۹}

اما به محض ورود به هند از غزل به قصیده مدحی روی آورد و اعتراف کرد که باید عادت عراقی (ایرانی) خود را واژگون کند تا زیبایی و رونق هندوستان را ببیند و نباید نگران مخاطب باشد. او حتی روش سنتی دعای ممدوح در قصیده (تأبید) را تغییر داد:

تو از ملک عراقی واژگون کن عادت پیشین
اگر خواهی که حسن رونق هندوستان بینی
مخاطب گر نباشد مستمع خامش مشو عرفی
که هست او هرچه هست اما تو در معنی زیان بینی
اگر شوقت امان ندهد به بزم خان‌خانان رو
که نقش لوح محفوظش ز پیشانی عیان بینی
دعای تو به رسم مدحت‌اندیشان نمی‌گوییم
که یارب تا فلان باشد تو بهمان و فلان بینی
تو خیراندیش خلقی، پس چنین باید دعای تو
که یا رب آنچه بهر خلق اندیشی همان بینی^{۸۰}

^{۷۸}صائب تبریزی، دیوان، تصحیح محمد قهرمان (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶)، جلد ۶، ۳۲۸۴.
^{۷۹}عرفی شیرازی، دیوان، جلد ۱، ۲۹۰.
^{۸۰}عرفی شیرازی، دیوان، جلد ۱، ۳۷۶.

شاعران بسیاری با ورود به هند تغییر ذائقه دادند. مؤلف مآثر رحیمی نوشته است: "صرفی ساوجی به طرز استاد خود، مولانا محتشم، [وقوع] حرف می‌زند و کلامش بر یک وتیره است . . . در ایام بودن هندوستان، طرز خود را به طرز مولانا عرفی و یاران هندوستان آشنا ساخته.^{۸۱}" هم او درباره شریف وقوعی نیشابوری می‌نویسد: "ابیات عاشقانه ایشان در خراسان به غایت مشهور است."^{۸۲} اما وقتی وقوعی نیشابوری به برهان‌پور می‌آید، به روش خاقانی قصیده مدحی می‌سراید و گرچه در آن قصیده چهار بیت خاقانی را درج کرده است، اما نتوانسته از تغزل ساده دست بردارد و در میانه قصیده مدحی خود به طرز عاشقان وقوع گوی مضمون لذت "آزارخواهی" عاشق را آورده است:

غزلی عاشقانه می‌گوید
حرف حرفش گرو به ناله زار

و از خان می‌خواهد که اورا "به فیض قبول، منت‌دار کند:"

از ترحم شکسته دل گردد
هر که دریافت لذت آزار^{۸۳}

صرفی ساوجی، شاعر وقوعی ساده‌گوی، وقتی وارد برهان‌پور شد، تحت تأثیر محیط ادبی خان‌خانان به نازک‌خیالی و پیچیده‌گویی روی آورد و ابیاتی سرشار از نازک‌خیالی سرود، مانند این ابیات

انتقام تو اگر حامی مظلوم شود
سبزه از آب‌خور شیر چرد طفل غزال
در کف تربیت قطره شود درّ عدن
به تن مدعیان تیغ شود آب زلال
در مقامی که ز آمدش آلات نبرد
صحبّت جان و جسد آب بود در غربال^{۸۴}

^{۸۱} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۹۳. نهایندی به نزاکت و دقت طبع صرفی ساوجی اشاره کرده و این ابیات را شاهد آورده است: از عدم با خود نه جان ناتوان آورده‌ام / روح مجنون را به سیر این جهان آورده‌ام / پنبه‌ام بر شعله می‌غلطد که آسبش مباد / زیور مهتاب را جنس کتان آورده‌ام / همتم از چشمه‌سار هند حلقی

تر نکرد / از لب جو شکوه آب روان آورده‌ام.
^{۸۲} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۸۶.
^{۸۳} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۸۸.
^{۸۴} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳۸۹.

تقی کاشی در نسخه‌های متفاوت خلاصه‌الاشعارش دو تحریر از زندگی و سبک شعر ظهوری ترشیزی دارد. در تحریر نخست، به سال ۹۹۳ق، می‌نویسد که ظهوری "در شاعری بر گرد سخنان متقدمین می‌گردد و مضامین را به زبان وقوع بیان می‌نماید."^{۸۵} اشعاری که تقی در آن نسخه از ظهوری آورده است از ابیات ساده عاشقانه به روش وقوع گویان است. بیست سال بعد، در نگارش دیگری از تذکره‌اش در ۱۰۱۱ق آورده است که

الیوم بعد از خواجه حسین ثنایی بر سرآمده شعرای آنجاست . . . به واسطه تتبع اشعار قدما مضامین غریبه و استعارات متین معانی تازه و مضامین دقیقه به آن ضم نموده . . . همانا عمادی است یا اثیر اخسیکتی که ظهور کرده. و توضیح این تشبیه و تحقیق این تمثیل از این چند قصیده که مرقوم گشته و ترکیبی که در اواخر قصاید مسطور شده معلوم می‌شود و احتیاج به بینه و برهان دیگر ندارد.^{۸۶}

تغییر شرح حال ظهوری در تحریر دوم تذکره تقی کاشی با اختلاف ۲۰ سال به وضوح دلالت بر تغییر سبک ظهوری ترشیزی دارد. ظهوری از وقوع گویی و ساده گویی به "ایراد مضامین غریبه و افکار دقیقه" روی آورده است. جالب آنکه تقی‌الدین کاشانی از هر دو مرحله شاعری ظهوری دو نوع شعر ساده و پیچیده آورده که اظهاراتش را درباره تغییر سبک ظهوری در هند تأیید می‌کند.

درباره عبدالباقی نایینی نیز گفته‌اند که "اعتماد تمام به غزل دارد و در روزی که به بندگی این سپهسالار رسید غزل‌های عاشقانه از او استماع نمودند . . . و الحال به وادی قصیده گویی افتاده و زیاده از چهار پنج قصیده از او استماع نشد."^{۸۷} شکیمی اصفهانی اندیشه‌های نازک و تازه خود را "عراقی نژادان" می‌نامد که به شاه هندوستان عرضه می‌کند.

گشایم در حجره فکر را
به یک شو دهم این همه بکر را
عراقی نژادان جادوزبان
سپارم به دارای هندوستان

^{۸۵} کاشانی، خلاصه‌الاشعار، گ ۳۰۵ پ.
^{۸۶} تقی‌الدین کاشانی، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۹۸۲، اهدایی محمدصادق طباطبایی)، ۳۷۵؛ نیز برگ ۱۲۵۱ پ دستنویس موزه بریتانیا و برگ ۴۸ دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۳۶۱، مجموعه سنا ۲۴۴ مجلس، متعلق به مهدی بیانی که شرح حالی متفاوت با صفحه ۷۳ عرضه می‌کند.
^{۸۷} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۷۹۲.

^{۸۵} کاشانی، خلاصه‌الاشعار، گ ۳۰۵ پ.
^{۸۶} تقی‌الدین کاشانی، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۹۸۲، اهدایی محمدصادق طباطبایی)، ۳۷۵؛ نیز برگ ۱۲۵۱ پ دستنویس موزه بریتانیا و برگ ۴۸ دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۳۶۱، مجموعه سنا ۲۴۴ مجلس، متعلق به مهدی بیانی که شرح حالی متفاوت با صفحه ۷۳ عرضه می‌کند.
^{۸۷} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۷۹۲.

عرفی پیشوای نازک خیالان

نظر غالب درباره آغاز طرز نازک خیال و به تعبیر مصطلح سبک هندی آن است که بابا فغانی شیرازی (م. ۹۲۵ ق) در اوایل سده دهم هجری این "طرز تازه" را ابداع کرد. این دیدگاه را نخست اوحدی بلیانی در تذکره عرفات العاشقین مطرح کرد،^{۸۸} و تذکره نویسان سده های بعد این نظر را پذیرفتند^{۸۹} و مورخان ادبی تا امروز همچنان آن را چونان اصلی مسلم نقل می کنند. اما آنچه در اسناد محیط ادبی برهان پور می بینیم حاکی از آن است که طرز تازه نازک خیال را ثنایی مشهدی و به خصوص عرفی شیرازی پایه نهادند. حمایت های عبدالرحیم خان خانان، سپهسالار اکبرشاه، و شاعران بزرگ دربار اکبرشاه یعنی حکیم حاذق گیلانی و فیضی دکنی از طرز نوآورده عرفی شیرازی (۹۶۴-۹۹۹ ق) زمینه ساز پیدایی طرز نازک خیال (طرز تازه) شد.

بنا به گفته عبدالباقی نهبانندی، که نخستین زندگینامه عرفی را دو دهه پس از مرگش نوشت، عرفی در شیراز تازه گویی را آغاز کرد. وقتی آوازه سخن شناسی و سخاوت خان خانان و حمایت هایش از شکیبی اصفهانی، نظیری اصفهانی، انیسی شاملو، شریف کاشی، کامی سبزواری، بقایی خراسانی، میرمغیث محوی، غنی همدانی و دیگر مستعدان دربار سپهسالار اکبرشاه را شنید، به گفته خلاصه الاشعار به سال ۹۹۲ ق از شیراز رهسپار هند شد و در آن زمان حدوداً ۳۰ ساله بود. نخست به دکن و احمدنگر رفت. سپس، به فتح پور رفت و با ابوالفضل فیضی آشنا شد. بعد در دکن به خدمت حاذق ابوالفتح گیلانی در دربار اکبرشاه رسید. در آن زمان، حسین ثنایی مشهدی و سیدمحمد نجفی و حیاتی گیلانی، مظهری کشمیری که از تبریز گریخته بود، نظیری، قاضی نورالله شوشتری و بسیاری دیگر از شاعران ایرانی در خدمت حاذق بودند.^{۹۰} ابوالفضل فیضی، که ملک الشعرا دربار اکبرشاه بود، به مصاحبت عرفی علاقه مند شد و طرز تازه را که اختراع او بود شنید و پسندید.^{۹۱} حکیم حاذق این شاعر جوان شیرازی را به جمع مداحان خان خانان درآورد. هنوز خان خانان را ندیده بود که به سفارش حکیم حاذق ابوالفتح گیلانی قصیده ای برای خان خانان سرود و رهسپار دارالعیار برهان پور و دربار

مهرنور محمدخان و زیب النساء علی خان (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۲۰۰۶)، جلد ۲، ۱۱۹۲؛ قدرت الله گوپاموی هندی، نتایج افکار (ممبئی: ناشر اردشیر خاضع، ۱۳۳۶)، ۱۴.
^{۹۰} حاذق گیلانی، رفعات، نامه ۴۹.
^{۹۱} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۱۴۶-۱۴۹.

^{۸۸} اوحدی بلیانی، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، جلد ۶، ۳۲۲۰.

^{۸۹} بنگرید به علیقلی خان واله داغستانی، ریاض الشعرا، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴) ۷۸۸، ۹۰۹ و ۱۶۱۷؛ حسین دوست سنهلی، تذکره حسینی (لکهنو: نولکشور، ۱۸۷۵)، ۲۴۲؛ سراج الدین علی خان آرزو اکبرآبادی، مجمع النفایس، به کوشش

عبدالرحیم خان خانان شد. عرفی پیش از ورود به برهان پور روی خوشی به مدح نداشت و قصیده را کار هوس پیشگان و خود را از قبیلۀ غزل می‌دانست و گفته بود که

سخن عشق حرام است بر آن بیهده‌گو
که چو ده بیت غزل گفت مدیح آغازد
حبذا همت سعدی و سخن گفتن او
که ز معشوق به ممدوح نمی‌پردازد
گفتم این خود همه عیب است که در راه تمیز
هر که این لاف زند اسب دوی می‌تازد
لوحش الله ز یک‌اندیشی عرفی کو را
آنکه ممدوح بود، عشق به وی می‌بازد^{۹۲}

اما ظاهراً به ترغیب حکیم حاذق مدح خان خانان را آغاز کرد و بر همه ناموران پیشین مثل خاقانی، انوری و کمال اصفهانی تفاخر ورزید.^{۹۳}

شاعری با نام رسمی قلندر یزدی نقش سپهسالاری عبدالرحیم خان خانان را در حمایت و ترویج طرز تازه در قصیده‌ای بیان کرد و از شاعران بزرگ دربار او نام برده و گفته است که از برکت مدح خان خانان، عرفی شیرازی با طرز تازه آشنا شد و آوازه سخنش از شرق به روم رسید:

ز یمن مدح تو آن نغمه‌سنج شیرازی
رسید صیت کلامش به روم از خاور
به طرز تازه ز مدح تو آشنا گردید
چو خوبروی که یابد ز ماشطه زیور

رسمی قلندر یزدی در این قصیده از حمایت‌ها و عنایاتی که خان خانان به عرفی، فیضی، نظیری، شکیبی اصفهانی، حیاتی گیلانی، نوعی خبوشانی، کفری و خود رسمی داشت یاد می‌کند.^{۹۴}

نهایندی درباره عرفی و نقش او در پیشوایی شعر نازک خیال بارها به تفصیل و تأکید سخن رانده است.

^{۹۲} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۱۹۱ و ۷۱۰؛ جعفر حلیم، شرح احوال و آثار عبدالرحیم خانخان، ۳۹۶.

^{۹۳} عرفی شیرازی، کلیات، جلد ۲، ۴۷۶-۴۷۷.
^{۹۴} عرفی شیرازی، کلیات، جلد ۲، ۳۷۹ - ۳۸۶.

مخترع طرز تازه‌ای است که الحال در میانهٔ مردم معتبر است و مستعدان و سخن‌سنجان و نکته‌شناسان پسندیده و معقول دانسته تتبع او نمایند. چندان ابداع معانی غریبه و مضامین عجیبه و ابیات عارفانهٔ عاشقانه که او کرده هیچ‌کس نکرده و این‌طور شهرتی که او را به هم رسیده هیچ‌یک از امثال و اقران او را هم نرسیده و نخواهد رسید . . . شهرت او به جایی رسیده بود که دیوان غزلیات و قصاید او را سخن‌سنجان و نکته‌دانان تعویذوار بر بازوی خود بسته شب و روز با خود همراه می‌داشتند.^{۹۵}

او در دیباچه‌ای که بر دیوان عرفی در همان سال‌ها نوشت، اختراع طرز تازهٔ نازک‌خیال را برای عرفی ثبت کرد:

عرفی شیرازی . . . طرز متقدمین و متأخرین . . . منسوخ ساخته، طرز تازه که الحال در میان مستعدان ربع مسکون پسندیده است به میانهٔ مردم عالم آورده فاضلان این فن و استادان این علم به این طرز معتقد شده پایهٔ سخنوری و مدار نکته‌پروری را بدان نهادند. و شیخ ابوالفیض فیضی در هندوستان و جمعی دیگر از فحول شعرای ایران مثل حکیم رکنای مسیحی و حکیم شفایی اصفهانی و مولانا شانی تکلو و سایر مستعدان و موزونان این روزگار طرز خود را به طرز او آشنا ساختند و نفوذ و تأثیر سخن را در سکه‌خانهٔ معنی به نام نامی خود مسکوک ساخت . . . و پیش از او دیگری به این طرز و روش مشغول نشده و حرف نزده بود. در اوایل که طبعش به این طریق سخن گفتن میل نمودی از او پسندیده نمی‌داشتند و حمل بر بعضی مقدمات می‌نمودند.^{۹۶}

نهادندی می‌گوید که عرفی این رتبه را از تربیت و اصلاح خان‌خانان به دست آورد که مربی تمامی مستعدان آن زمان بود. با این همه، می‌دانیم که خان‌خانان عرفی را به ادامهٔ این سبک راهنمایی کرد.^{۹۷}

گردآوری دیوان عرفی در برهان‌پور

بنا به گفتهٔ نهادندی در مآثر رحیمی، عرفی شیرازی هنگام نزع سیاههٔ اشعار خود را به کتابخانهٔ خان‌خانان فرستاد که مرتب و مدون سازند. چند سال بعد، خان‌خانان

^{۹۵} نهادندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۱۸۹.
^{۹۶} عبدالباقی نهادندی، "دیباچه"، در عرفی شیرازی، ۱۴۷.
^{۹۷} نهادندی، "دیباچه"، در عرفی شیرازی، کلیات، ۱۴۶-.

دستور داد تا محمداقاسم سراجای اصفهانی دیوان عرفی را مرتب کند. سراجا مسودات اشعار عرفی را با برخی از اشعار عرفی که در میان مردم هند مشهور بود گرد آورد و در ۱۰۲۴ ق دیوان او را مشتمل بر حدود ۱۴ هزار بیت تدوین کرد. عبدالباقی نهبانندی بر آن دیوان دیباچه‌ای نوشت و شرح احوال عرفی و نقشش در شکل‌گیری حلقه نازک خیالان برهان‌پور را به خوبی توضیح داد.^{۹۸}

رواج شعر به شیوه عرفی

عرفی پس از مرگ هواداران و پیروان بسیار یافت. نهبانندی از شاعرانی یاد کرده است که تا سال‌های ۱۰۲۴ ق به طرز عرفی شعر می‌گفته‌اند و به او اعتقاد داشته‌اند، از جمله بقایی،^{۹۹} صیدی بواناتی^{۱۰۰} و میرمحمد یوسف طبعی.^{۱۰۱} کسان بسیاری نسبت به او حسادت ورزیدند و حتی شیخ فیضی، ملک‌الشعرا دربار اکبرشاه که میان آنها دوستی برقرار بود و عرفی مدتی در خانه وی اقامت داشت با عرفی سر دشمنی برداشت.^{۱۰۲} نقل است که حاسدان به عرفی زهر خورانیده‌اند. تقی اوحدی بلیانی در تذکره خود نیز می‌گوید که «اکثر تازه‌گویان تتبع روش وی می‌نمایند.»^{۱۰۳}

شالوده ایرانی حلقه برهان‌پور

حلقه برهان‌پور گرچه در مرکز هند تشکیل شده بود، اما جوهر ایرانی داشت و شالوده آن را ایرانیان شکل دادند. در این حلقه ادبی نمی‌توان نشانه‌های برجسته و مؤثری از فرهنگ، بلاغت و هنر هندی یافت. عناصر برجسته ایرانی در حلقه برهان‌پور عبارت‌اند از

۱. زبان رسمی و ادبی دربارهای دکن، آگره، برهان‌پور، لاهور و دیگر مناطق هند فارسی بوده است. آنها در ادبیات، تاریخ‌نویسی و مکاتبات دیوانی الگوی خود را از دربارهای هرات و اصفهان در ایران می‌گرفتند.

۲. عبدالرحیم خان‌خانان، حامی اصلی شاعران برهان‌پور، ایرانی‌تبار بود. تبار او به طایفه بهارلو از طوایف قراقویونلو در تبریز می‌رسد. پدر عبدالرحیم، بیرم خان پسر سیف‌علی بیگ جزو سرداران لشکر شاه اسماعیل بود که برای کمک به بابر به هندوستان رفته بود.^{۱۰۴}

^{۹۸} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۱۹۱ و ۷۸۳؛ نهبانندی، «دیباچه» در عرفی شیرازی، کلیات، ۱۴۶-۱۴۷.
^{۹۹} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۵۰۰.
^{۱۰۰} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۲۰.
^{۱۰۱} نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۶۲۲.
^{۱۰۲} بدائونی، منتخب‌التواریخ، جلد ۳، ۱۹۶.
^{۱۰۳} اوحدی بلیانی، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، جلد ۵، ۲۹۰۵.
^{۱۰۴} برای تفصیل اسناد بنگرید به نهبانندی، مآثر رحیمی، جلد ۱ و جعفر حلیم، شرح احوال و آثار عبدالرحیم خان‌خان، ۶۱ به بعد.

۳. مروج ذوق نازک خیالی و دشوارپسندی در دربار اکبرشاه و عبدالرحیم حکیم حاذق گیلانی بود که در اواخر عمر از ایران به هند مهاجرت کرده بود. او معرف اکثر شاعران نوآمده به دربارهای هند نیز بود.

۴. الگوهای برتر شعر در نظر شاعران برهان پور قصاید مدحی شاعران قدیم ایرانی مانند ازرقی، خاقانی، نظامی، انوری و کمال اسماعیل اصفهانی بودند.

۵. عموم شاعران دربار خان خانان در برهان پور نوآمدگان ایرانی بودند. ۱۰۶ شاعری که نهایندی در مآثر رحیمی با عنوان مداحان عبدالرحیم معرفی می کند، اغلب در میانه یا پایان عمر از ایران به هند آمده بودند. یعنی پس از آنکه در ایران و به خصوص کاشان و اصفهان و قزوین علم شعر را آموخته و شهرتی به هم رسانده بودند، راهی هند شدند. از آن جمله اند حاذق، عرفی، ثنایی، میرزاقلی مشهدی، حیاتی گیلانی، نظیری، ظهوری، شکیبی و انیسی شاملو. نهایندی در مآثر رحیمی می نویسد: "ایران مکتب خانه هندوستان است و مستعدان کسب حیثیات در آنجا می نمایند که در هندوستان در مجلس سامی این سپهسالار به کار برند."^{۱۰۵}

۶. نهایندی، مورخ خان خانان و تذکره نویس دربار او، ایرانی بود و در اواخر عمر به هند رفته بود.

۷. مهاجران ایرانی علاوه بر منصب شاعری، بسیاری از مناصب و مشاغل دربار خان خانان را در اختیار داشتند. مورخان، دبیران، منشیان، کتابداران، صحافان، خوشنویسان، نقاشان، تفنگ سازان، مذهبیان، حکاکان، خوانندگان، نوازندگان، طننازان، منصب داران، لشکریان، فوج داران، دیوانیان، حسابداران، عالمان دینی، قاضیان، پزشکان، منجمان، ریاضی دانان و دانشمندان هیأت از مهاجران ایرانی بودند که اغلبشان اهل شعر و ادب بودند و شعر نیز می سرودند.

خلاصه سخن را نهایندی در باره خان خانان و دربار او در یک رباعی آورده است:

تا دهر شکوه خان خان خانی دید
بر عهد سکندر و سلیمان خندید
از بس که نهادند به درگاهش رو
ایران شد هند و هند ایران گردید^{۱۰۶}

^{۱۰۵} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۳

^{۱۰۶} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۸۵۳

تداوم سبک برهان پوری‌ها

صائب تبریزی (م. ۱۰۸۷ق) که حدوداً سه دهه بعد از عرفی، نوعی خوبشانی و سنجر کاشانی بر شاعران دربار خان‌خانان تفاخر می‌ورزد:

به این تنی که چو تسبیح سربه‌سر گره است
به چشم سوزن اگر افتدم چو رشته عبور
ز دقت نظر و فکر آن چنان گذرم
که چشم چشمه سوزن همان بود پرنور
کمند زلف به فکر بلند من نرسد
بلند رفته طبیعت، کمند را چه قصور؟
هزار حیف که عرفی و نوعی و سنجر
نیند جمع به دارالعیار برهان‌پور
که قوت سخن و لطف طبع می‌دیدند
نمی‌شدند به طبع بلند خود مغرور^{۱۰۷}

صائب به طرز شاعران برهان‌پور توجه خاصی داشت. در دیوانش ۵ بار از عرفی، ۱۱ بار از نظیری نیشابوری، ۲ بار از ظهوری و نیز از فیضی، نوعی خوبشانی، حاذق گیلانی، شاپور تهرانی و سنجر کاشانی یاد کرده و غزل‌های آنان را جواب گفته است. از جمله از همداستانی‌اش با عرفی گفته است:

بس است عرفی، همداستان من صائب
به نغمه‌سنجی مرغ سحر چکار مرا؟^{۱۰۸}

در سخن از عرفی و طالب ندارد کوتاهی
عیب صائب این بود کز زمره اسلاف نیست^{۱۰۹}

صائب تصریح می‌کند که گرچه عرفی طرز تازه را شروع کرد، اما خود آن را به شهرت رسانیده است:

گرچه عرفی پرده ساز سخن را تازه کرد
این نوا از خامه صائب بلندآوازه شد^{۱۱۰}

^{۱۰۹} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۲، ۶۴۶.

^{۱۱۰} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۳، ۱۱۹۶.

^{۱۰۷} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۶، ۳۶۳۱.

^{۱۰۸} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۱، ۳۰۴.

صائب معترف است که از کلام ظهوری نیز فیض برده است:

همین ز خاک فرج کامران نشد صائب
که فیض هم به ظهوری ازین جناب رسید^{۱۱۱}

صائب نداشتیم سروبرگ این غزل
این فیض از کلام ظهوری به ما رسید^{۱۱۲}

نهایندی در باب رواج طرز نظیری نوشته است: "اهل عراق بعضی غزلیات او [نظیری] را بر غزلیات عرفی شیرازی ترجیح می‌نهند و بعضی دم مساوات می‌زنند. الحال که سنه هزارویست و چهار بوده باشد، دیوانش در عراق و خراسان شهرتی تمام دارد." صائب نیز در باب نزدیکی طرز خود به طرز نظیری گفته است:

صائب چه خیال است شود همچو نظیری؟
عرفی به نظیری نرسانید سخن را^{۱۱۳}

زبان طرز نظیری است صائب این مصرع
که پیش از آن که نگریده‌ای گران برخیز^{۱۱۴}

قطعیت تغییر سبک و منسوخ شدن طرز قدما

نهایندی مرزبندی آشکاری را میان پیروان طرز متقدمان و متأخران در جای جای کتابش طرح می‌کند.^{۱۱۵} او در مقدمه‌ای بر دیوان عرفی برای نخستین بار تحولات سبک‌های شعر فارسی از میانه قرن نهم تا میانه قرن یازدهم هجری را به روشنی بیان کرد و با قاطعیت گفت که "مولانا عرفی شیرازی طرز متقدمین و متأخرین را منسوخ ساخته طرز تازه به میانه مردم عالم آورده."

دستاورد

نشان دادیم که نازک‌خیالی و خیال‌های دور و پیچیده در اواخر قرن دهم هجری در ایران پدیدار شد، اما چندان موافق ذوق اهل ادب در ایران نبود و مطرود و ناپسند واقع شده، با مهاجرت حاذق گیلانی، عرفی شیرازی و ثنایی مشهدی در دربار هند از آن استقبال

^{۱۱۴} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۵، ۲۳۲۰.
^{۱۱۵} نهایندی، مآثر رحیمی، جلد ۳، ۴۴۲، ۵۳۹، ۶۰۴، ۶۲۰، ۶۶۲ و ۶۹۲.

^{۱۱۱} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۴، ۱۹۳۸.
^{۱۱۲} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۴، ۲۰۷۴.
^{۱۱۳} صائب تبریزی، دیوان، جلد ۱، ۳۹۵.

شد. حلقه ادبی سپهسالار اکبرشاه در شهر برهان پور در شکل‌گیری سبک نازک‌خیال فارسی نقش مهمی داشت و متشکل از مهاجران ایرانی بود که همگی در ایران به کمال رسیده و به هند رفته بودند. شاعرانی که در ایران غزل ساده و قوعی می‌سرودند، بعد از ورود به هند تغییر سبک دادند و قصاید مدحی با طرز نازک‌خیال گفتند. دو امر در بالندگی نازک‌خیالی نقش داشت: یکی ذوق نازک‌پسند حامیان شعر در برهان پور و دیگر موضوع مدح که با اغراق همخوانی داشت و شاعران را به جانب نازک‌اندیشی سوق داد.

در برهان پور دو حامی اصلی شعر در گرایش شعر فارسی به نازک‌خیالی سهم بسزایی داشتند، یکی شخص عبدالرحیم خان‌خانان، سپهسالار اکبر و جهانگیرشاه، که هم ذوق نازک‌پسند داشت و هم بی‌دریغ از شاعران و هنرمندان حمایت می‌کرد و دیگری، حکیم حاذق گیلانی که شاعران ایرانی را به دربار اکبرشاه معرفی می‌کرد. او بسیاری از شاعران و از جمله عرفی شیرازی، پیشوای شعر نازک‌خیالی، را برکشید. نظیری و ظهوری پیرو عرفی بودند و بعدها صائب نیز در همین شهر طرز نازک‌خیال را به اوج رسانید.

الگوهای شاعران قصیده‌سرای نازک‌خیال عبارت بودند از خاقانی، نظامی، انوری، کمال اسماعیل و ازرقی و در واقع، طرز تازه نازک‌خیال از دل شعر مدحی و از قالب‌های قصیده، ترکیب‌بند و ساقی‌نامه بیرون آمد و به غزل سبک هندی راه یافت. نشان دادیم که برخلاف مشهور، باباغانی مبدع طرز نازک‌خیال نیست و در حلقه ادبی برهان پور سخنی از تتبع و پیروی طرز او به چشم نمی‌خورد. حال آنکه در ایران غزل‌های بسیار مورد تتبع قرار می‌گرفت. مخترع طرز نازک‌خیال برهان پور عرفی شیرازی است و الگوی شاعران آن قصاید قرن‌های ششم و هفتم هجری.



کتاب ایران نامه

آموزه‌های اقتصادی

گزیده آثار جهانگیر آموزگار

به کوشش و با پیشگفتار محمد توکلی طرقي

با همکاری حسنعلی مهران



بنیاد مطالعات ایران
Foundation for Iranian Studies